

مدالیون (گردن بند) منصور ابن نوح

در کلکسیون سکه شناسی موزیم اشمولیان Ashmolean یونیورسیتی اکسفورد لندن، گردن بند نقره ای (به قطر 33 ملی متر و وزن 11.04 گرام) محافظت میگردد که در سال 358 هجری مطابق به 968-969 م توسط منصور ابن نوح سامانی (زمان حکمرانی بین سالهای 350-الی 365 هجری، مطابق به 961-976 م) ساخته شده است، گفتنی است که در صفحه اصلی (صفحه پیشرو) و در قسمت جناحی مدال متذکره پارتريت زمامدار با دو کتیبه پهلوی بنظر میخورد. (98)

[Treadwell, 1999, p. 9 – 10].

لازم به یادآوری است که کتیبه اولی به شکل (MLK"n MLK) که افاده کننده مفاهیمی از قبیل شاه- شاهان "شهنشاه" ترجمه شده است در حالیکه جناح چپ آن، حاوی کتیبه ای GDH `pzwt بوده و به معنی "موفقیت، افزایش حدود، گسترش سرزمین" وغیره بکار رفته است. (99)

اما در جناح عقبی آن کتیبه عربی مربع شکلی حاوی شش سطر در آورده شده بشکل مربع وجود داشته و به تعقیب آن کلمه مقدس مسلمانان (لا اله الا الله هو وحده هو لا شریک لهو محمد و رسول اله) ، نام خلیفه، متعاقبا نام منصور ابن نوح بالقب شاهانه "الملک" درج گردیده است.

در کتیبه های محیطی (گرداگرد) درهم، تاریخ ضرب درهم اینچین نوشته شده است: "این درهم در سال 358 در شهر بخارا ضرب زده شد"

(به عربی: ضرب هذا الدرهم ببخارا سنة ثمانية و خمسين و ثلثمائة)

لازم است تا در اینجا به نکته مهمی توجه گردد و آن اینکه ناتشابهت های ظاهری پارتريت های حکمرانان موجود، با پارتريت های حکمرانان ایرانی، و برعکس تشابهت و نزدیکی آنها با هنر پارتريت سازی ترکی میباشند.

[Treadwell 1999: 10].

اشکال انتروپولوژیکی (چهره شناسی، انسان شناسی) چهره های آنها نمایانگر مخلوطی از قیافه های اروپائی با ویژگی های مغولی بوده است. مثلا:

- داشتن لبان دبل و پندیده که منحنی مشخصه خاص و متمایز ترکان غربی از آنجمله ترکان- اوغوزی خراسان.
 - موجودیت استخوان برآمده در قسمت رو، که مشخصه خاص قیافه قیچاق- منگولیائی شمرده میشود.
 - داشتن چشمان طویل و بادامی با ابروان دبل و پندیده
 - داشتن کلاه های مخصوص تاج مانند درسر.
 - داشتن سرگه یا سرغه (گوشواره) های دایره وی در گوشها.
 - موجودیت موهای دراز و بیرون شده از زیر کلاه از قسمت پشت سر.
- متذکر باید شد که، مقایسه پارتیت مذکور با پارتیت حک شده در میدالیونی که در سال 351 هجری مطابق به سال 962 م در زمان فرمانروائی زمامدار بودائی مذهبی، بنام روح الدوله در شهر المحمدیه ضرب زده شده است نمایانگر این امر است که منصور ابن نوح و اجدادش به فرهنگ متفاوت تر از روح الدوله احتمالا به فضای اتنیکی (قبیله وی) متعلق بوده است (100)
- یعنی منصور ابن نوح و اجدادش به فرهنگ دیگری (فرهنگ متفاوتی) و به اجماع دیگری غیر از فرهنگ و اجماع روح الدوله تعلق داشته است.

[Treadwell 2003: 328].

پیکره نگاری پارتیت ها، بیانگر تشابهت آنها با پارتیت های حکمرانان ترکی قرون VII – VIII تخارستان، کابل و گندهارا است، یعنی پارتیت هائیکه در تنگه ها و دراهم های مضروبه خرمزاد IV شهنشاه ساسانی ضرب زده شده اند. (101)

[<http://www.zeno.ru/orientalcoinsdatabase/westernturks//html>]

گفتنی است که تقلید از مضروبات ساسانی، با آغاز دوران پولی کوشانی- ساسانی پیوند نزدیک و ناگسستنی دارد، مرحله ایکه طی سالهای 368-388 یعنی بعد از استیلا تخارستان توسط ساسانیان بمیان آمد.

[Луконин 1967: 26].

گفته شده است که هدف تقلید از مضروب تنگه های ساسانی توسط حکمرانان ترکی قبل از همه تکه و پارچه بودن آسیای میانه به خانات، حکمرانی ها و امرا خورد و کوچک محلی و محیطی و عدم موجودیت پول واحد و سرتاسری در یک قلمرو بزرگ اقلیمی بوده است، مسله ای که نمیتوانست محیط مساعدی را به دوران محدود همچو تنگه های خورد و کوچک مساعد نماید، تنگه هائیکه از دوران بزرگ جهانی مستفید بود.

[Пугаченкова 1981: 260].

این نکته قابل توجه است که ترک ها از میان شهنشاهان ساسانی به خرمزاد IV "ترک زاده" که درعین حال نواده حکمران عالی خاقانات ترکی و حامی ترکها در امپراطوری ساسانیان شمرده میشد به دیده قدر و احترام مینگریستند. گفتنی است که درین هنگام میدالیونهای مشابهی با میدالیون مضروب منصور ابن نوح وجود داشته است، میدالیونهاییکه توسط خاقانات ترک در چهارک او ل قرن VII به افتخار پیروزی ترکها درجنگ علیه ساسانیان و هیپتالیتهای ضرب زده شده است.

گفته شده است که یکی ازین میدالیونها توسط یکی از خاقانات ترک بنام زیک (ژیک) طی سالهای 616 و 617 یعنی بعد از پیشروی قشون ترکها به عمق ایران زمین الی شهرهای ری و اصفهان و حصول غلبه بالای ساسانیان، ضرب زده شده است (102)

(زمان فرمانروائی زیک خان مقارن سالهای 610-618 قید گردیده است).

اما، درصفحه پیشروی میدالیون در سمت راست پارتیت حکمدار و بسمت های راست وچپ آن کتیبه های پهلوی حک گردیده است. چنانچه در کتیبه جناح چپ، چنین گفته شده است GDH 'pzw n zyk یعنی "پیروزی، افزایش، زیک"، اما در کتیبه جناح چپ طور ذیل قید گردیده است: 'MLK"n MLK' یعنی، "مالک- مالکان، صاحب اعیان".

به همین ترتیب در صفحه عقبی، تصویر قربانگاه یکجا با آتش و از راست به چپ تصویر دوکشیش در حال عبادت به آتش دیده میشود.

[Göbl 1987: 276 – 277, pl. 39, fig. 2].

علاوه گردیده است که یک قطعه مهر متعلق به خاقان مذکور در کلکسیون شخصی، فرد ایرانی تباری به اسم فروغی نگهداری میشود، مهری که بمنظور ثبت و راجستر قلمروهای تازه بدست آمده (جدیدا غصب شده) از آن استفاده میگردد. هکذا گفته شده است که در مهر مذکور افسانه هائی به حروف رونیک (افسانه های رمزی) و حروف فارسی قرون وسطائی حک گردیده است.

[Frye 1971].

مثلا کتیبه های فارسی قرون وسطائی اینطور نوشته شده اند:

zyk hhn GDH

یعنی:

"زیک کاگان (زیک خاقان)، پیروزی"

اما، کتیبه های رونیک اینطور خوانده شده است:

b(a)q(e)šeb qiy(ū)g(o)ṛkū

یعنی:

"از دوستان و حواریون، از خانه و کاشانه، از قرا و... مراقبت کن، برای خود نام خوب انتخاب کن.."

[Harmatta, Litvinsky 1996: 369].

از جانبی نام این خاقان با نام زیک یعنی نام خانوادگی یکی از خانواده های شهره و معروف پارت های قدیم هم اهنگ گفته شده است. (103)

هکذا علاوه گردیده است که میدالیون دوم در سال 625 در شهر قندز توسط تردوشاد خاقان پسر تون یابگو خاقان، حکمران عالی خاقانات ترک و موسس خانواده یابگو های تخارستان و گندهارا ضرب زده شده است. گفته شده است که مدالیون متذکره بمنظور تجلیل شایسته از غلبه کامل انها بالای هیپتالیت ها و پیوست مطلقه شان به قلمرو تحت امر خاقانات ترکی ضرب زده شده است.

میدالیون نگاری و تنگه نگاری (میدالیون و تنگه شناسی) های یابگو های تخارستان نشاندهنده این امر است که در تنگه های مضروبه شان نه تنها عنعنات موجود در درهم های مضروبه خرمزاد IV شهنشاه ساسانی، بل عنعنات مذهبی هندوها نیز جدا مدنظر بوده است.

[Harmatta 1982: 168].

به همین ترتیب در جناح راست صفحه اولی پارتريت حکمدار، یعنی "یب، ارباب - اربابان" و از راست به چپ کتیبه پهلو "jeb MLK"n MLK و GDH 'pzwt یعنی " پیروزی، افزایش قلمرو، وسعت سرزمینها" و غیره درج گردیده است. گفتنی است که با مشاهده میدالیون مذبور تصویر دست میدهدکه پارتريت متذکره متعلق به تون یابگو خاقان بوده باشد. اما، در صفحه عقبی میدالیون تصاویر التار یا قربانگاه، هکذا تصویر دونفر کشیش و خدای شیوا با موهای افروخته شعله مانند بچشم میخورد.

[Harmatta, Litvinsky 1996: 370].

احتمال داده میشود که صفحات پیشرو (صفحات اولی) میدالیونهای متذکره بمنظور ضرب میدالیون منصور ابن نوح طور نمونه و مثال استفاده شده باشد. ازجانبی تشابهت پارتريت ها، وجود کاکل های پرمو (موی دار) و افتاده بر شانه، لباس های موجود، هکذا تاج های بالدار مزین شده با شاخهای گاو های وحشی، تصاویر حلال ماه، و گردن بندهای تهیه شده از سنگهای کمیاب و قیمتی اویخته شده در گردن زیک خاقان و تون یابگو خاقان که بشکل مدرن و ستایلی ترتیب شده اند همه وهمه دلالت بر تشابهت هائی میان انهادارندکه بلادرنگ چشم انداز دیده ها میگردند.

درضمن تفاوت های موجود در پارتريت ها نیز بدور از انظار باقی گذاشته نشده اند مثلا در پارتريت تون یابگو خاقان گوشواره بزرگی بچشم میخورد که از سه سنگ بزرگ و گرانبها ساخته شده است، در حالیکه در پارتريت زمامدار (مضروبه در میدالیون منصور ابن نوح) صرف یک حلقه گوشواره نه چندان جسیم و بزرگ بشکل

تلطیف شده کروی شکل و تعلیق شده، اما متشکل از یک سنگ بنظر میخورد، در حالیکه در پارتريت زيک خاقان هيچگونه گوشواره اي بنظر نميرسد. به همين ترتيب زيک خاقان در پارتريت مذکور با سبيل غلو و طويل ترسيم گرديده است، اما، در پارتريت تون يابگوخاقان و پارتريت زمامداري که در ميداليون منصور ابن نوح ضرب زده شده اند حاوي سبيل هاي کوتاه و نه چندان طويلی اند. به همين ساندر پارتريت مذکور چشمان زيک خاقان بشکل گرد(کروي) ترسيم گرديده است، در حالیکه چشمان تون يابگوخاقان طور دراز رخ و بادامی با ابروهای پنديده نشان داده شده است. هکذا کتبه هاي هم مانندی بزبان فارس قديم در جناح هاي راست و چپ پارتريت هاي سه گانه وجود داشته است.

گفتنی است که نام زيک خاقان در ميداليون اش بنام "زيک" و تون يابگو خاقان در ميداليون اش با القاب "يبب" معرفی گرديده است. در حالیکه، در ميداليون منصور ابن نوح هيچگونه اشاره اي به نام و نشان زمامدار صورت نگرفته است.

قابل تذکر است که خاقانات اوليه(خاقان هاي نخست) الي پذيرش خط رونيك (رمزهاي رونيك) از کتبه هاي سغدي و خاقانات ماقبلتر از آن، از کتبه هاي پهلوی استفاده ميبردند. مثلا در صفحات اولی ميداليون زيک خاقان، تصوير التار (قربانگاه) در حال اشتعال، با دوتن از روحانيون درحال عبادت به آتش بنظر ميرسد. در حالیکه، در ميداليون تون يابگو خاقان نیز تصاویر مشابه بنظر ميرسد اما فقط با یک تفاوت و ان اینکه در قسمت تحتانی ميداليون یعنی در قسمت پائینی التار تصوير خدای شيوا با موهای افروخته شبیه آتش دیده ميشود. گفتنی است که در صفحه عقبی ميداليون منصور ابن نوح کلیه رموز هاي موجود در ميداليون با کتبه هاي عربي تحرير شده اند.

این نکته را باقاطعیت میتوان اذعان داشت که زمامدار ترسيم شده در ميداليون منصور ابن نوح دقیقا ترک تبار بوده است، زیرا این مسئله قبل از همه در اثر پارتريت نگاری هاي انجام یافته و موجودیت گوشواره ها و گيسوان بافته شده و افتاده بر شانه مهر تائيد یافته است. زیرا یکی از مميزات آرايشی(تزئینی) ترکان قديم همانا

گوشواره بوده است که هم مردادن و هم زنان بطور یکسان از آن استفاده میبردند. گفته شده است که مردان گوشواره طاق(یک حلقه) و زنان گوشواره جفت(جوره) حمل مینمودند.

[Литвинский 1981: 131].

به همین ترتیب موجودیت تصاویر ماه(مهتاب) و ماه در تاج شاهی زمامداران از جمله عنعنات معمول و مروج ترکان قدیم گفته شده است، عنعنه ایکه دقیقا ساسانیان نیز آن را به عاریت گرفتند

[Esin 1972: 313 – 372].

انواع انتروپولوژیکی(انسان شناسی، کالبد شناسی) زمامداران منعکس یافته در میدالیون منصور ابن نوح دارای علائم و ممیزه های معین و آشکار منگولی، یعنی دارای رخسار و گونه های برآمده، چشمان بادامی، ابروان پندیده، بینی راست و پیازی (بینی برآمده)، یعنی چهره هائی متأثر از پیکره های مردمان هندشمالی میباشند. بناء میتوان گفت که احتمالا جدانها با یکی از باشندگان بومی هند ازدواج نموده باشد. اما قدمسلم اینست که، اکثریت مطلق زمامداران ترک تبار کابل با زیبا رویان هندی وصلت ونتیجتا باعث اضمحلال و یا هم آمیزش کلی آنها با هندوان گردیدند.

[Михайлова 1951: 17; Давыдов 2001: 15 – 16].

گفته شده است که همچو وصلت هااحتمالا در ناحیه کشمیر، جائیکه قبلا ایل تیگین جد سامانیان زمام امور را در دست داشت و یاهم در ناحیه بلخ، جائیکه هندوان اکثریت مطلق از باشندگان آنرا تشکیل میداد و یا هم به شکلی از اشکال تحت تاثیر افکار هندوها قرار داشت، صورت گرفته باشد. اما در هر حال "بینی پیازی" یکی از ممیزه های خاص چهره گربه ای ها (پشکها) شمرده میشود، بینی که حسب معلومات توپونومیک، اکثریت باشندگان ماقبل هند و اروپائی آسیای میانه را تشکیل میداد. یعنی آنانیکه در قرن اول قبل از میلاد قسمت اعظم سرزمینهای مذکور را دراختیارداشته و در تشکل اختلاط قومی التای- هونی(التائیها با هون ها) رول فعال و گسترده ای را ایفا نموده بودند.

[Алексеев 1985: 102], [Яйленко 1988: 133].

علاوه باید نمود که داشتن بینی راست عقاب نما از ممیزه های خاص قبایل اوغوزی نیز پنداشته شده است، قبایلی که در تفاوت از قیچاقها دارای تیپ مختلط و تیپ اروپائی اند. گفته شده است که نوادگان اوغوزهای کهن همانا ترکان عثمانی و آذربایجانی ها محسوب میگردند، مردمانیکه دارای بینی برآمده و پیازی اند. در صفحه عقبی تنگه های مسی قرون VI – V نخشابه صحنه هائی از مبارزات (جنگ) باهیولا های وحشی به تصویر کشیده شده است، اما در صفحه پیشروی تنگه ها پارتريت زمامداران با چهره های دراز شکل (طویل) بدون ریش، بینی عقاب نما جلوه گر اند. همزمان با آن به عوض تاج سر، موهای بزمانند و طویل ممتد تا شانه و پشت سر بنظر میخورد. علاوه گردیده است که تنگه های متذکره به هیچ وجه متعلق به نجبای محلی نبوده بلکه از آن هیپتالیت ها بوده است.

[Кабанов 1956: 137 – 144].

در قبرستان آستانه در نزدیکی تورفان مقبره (قبر) یکی از خانان هون بنام پانتای قوتلوک Qutluh Pant کشف گردید که در سال 445م در آن دفن گردیده است. گفته شده است که، از مقبره متذکره برعلاوه جسد خان مذکور به تعداد 4 بت گلی نیز بدست آمده است. در معلومات نامه گفته شده است که بتهای مذکور دارای رو های طویل (دراز رخ)، بینی ضخیم و موهای طویل بوده اند.

[Алмас 1993: 38].

گفتنی است که پارتريت زمامداران سه گانه منحک در میدالیونهای متذکره بشکل بدون ریش ترسیم گردیده است که، دقیقادر ضدیت با پارتريت نگاری تنگه های شهنشاهان ساسانی و حکمرانان هیپتالیتی است، زیرا شهنشاهان ساسانی حامل سبیل و ریش های مخصوص بخود بودند. از جانبی موهای شان تاب داده شده (جنگلک) و طورکلوله نخ گونه دورهم پیچانیده شده وبشکل تاج در آورده شده بودند. درعین حال نبایستی فراموش گردد که حکمرانان هیپتالیت ها، عمدتا دارای سبیل بوده، موهای قسمت های عقبی شان کوتاهتر جلوه مینمود. گفتنی است که در اجماع ترکان قدیم داشتن سبیل و ریش عنعنه معمول و مروج بوده است. در

حالی که اوغوزها ریش شانرا میتراشیدند و فقط سبیل (بروت) حمل مینمودند، اما بعضی از آنها حامل ریش کوچک و کوتاه زیر زنجی (زیر چانه ای) نیز بودند.

[*Ибн Фадлан: 64*].

در بسیاری از مجسمه های سنگی ترکان قدیم که در سرزمینهای مغولستان و آسیای میانه بمیراث باقی گذاشته شده اند، سبیل های نازک اوپخته بنظر میرسد. در میدالیون طلائی جدیدا کشف شده که حاوی کتیبه های رونیک ترکی قدیم اند، تصویر حکمدار ترک تبار چشم بادامی، باپلک های متورم، ابروهای پیوست، سبیل و ریش نازک و کوتاه به تصویر کشیده شده است. (104)

گفتنی است که تاج شاهان ترک تبار (هرسه شاه) دقیقا با شهنشاهان ساسانی متفاوت بوده اما، با تاج کابل شاهان ترک تبار، حکام ترکی پنچ کنت و یابگوهای ترک تبار اراخاسی Arachosia شباهت و نزدیکی های بیشتری داشته است.

[*Harmatta 1982: 169 – 170*] [*Nikitin 1984: 234*].

بصورت قاطع میتوان گفت که چهره کلی حکمدار منحک شده در میدالیون مسی مضروب سال 351 هجری مطابق 962 م توسط ابوعلی الحسن ابن بووی حم Buvaev Hom حکمدار بودائی مذهب روح الدوله، که در شهر المحمدیه ضرب زده شده است با میدالیونهای فوق الذکر تفاوت فاحش دارد. (زمان فرمانروائی بین سالهای 335-366 هجری مطابق به سالهای 946-977 م) گفته شده است که، چهره موصوف اشکارا نمایانگر گروه خاص نژاد اروپائی سواحل مدیترانه از قبیل روی گرد، بینی مستقیم، چشمان کوچک اما گرد، ریش و سبیل انبوه، تاج بالدار، ولباس کلا متفاوت در مقایسه با لباس حکمداران منحک در میدالیون منصور ابن نوح و سائر خاقانات عالی ترکان و غیره بوده است. بنا علاوه گردیده است که این همه نمایانگر این مسئله است که منصور ابن نوح و قدما وابسته به آن به گروه متفاوت و خارج از اجماع روح الدوله متعلق بوده است.

[*www.zeno.ru: #23677*]. [*Treadwell 2003: 328*].

گفتنی است که صفحات دوگانه (صفحات پیشرو و عقبی) میدالیون منصور ابن نوح و میدالیون متعلق به روح الدوله تقریبا یکسان اند. مثلا در صفحه پیشرو تنگه های

متعلق به روح الدوله، یعنی در جناحهای دوگانه (درهر دوطرف) پارتیت حکمدار، کتیبه های پهلوی بمشاهده میرسید، چیزیکه نمونه های مشابه ان در تنگه های منصور ابن نوح بمشاهده رسیده است.

اما، در جناح عقبی آن، سمبول اسلام یعنی کلمه شهادت(لا اله الا الله وحده و لا شريك له محمد رسول الله) و متعاقبا عنوان(القاب) روح الدوله یعنی ابوعلی ابن بووی. Abu 'Ali ibn Buvae بنظر میخورد. به همین ترتیب در اطراف (محیط) کلمه، تاریخ ضرب(تاریخ تولید) تنگه ها نشان داده شده است. گفتنی است که، گرچه میدالیونهای متذکره از لحاظ شکلی یکسان بنظر میرسند، اما از لحاظ محتوا کلا متفاوت اند.

بناء معلومات فوق نمایانگر این مسله است که، میدالیون منصور ابن نوح بمثابه پاسخی (برخورد جوابیه) به ضرب(تولید) میدالیون روح الدوله پنداشته شده است. از جانبی قضیه مذبور بیانگرمنشاء اصلی و حقیقی تبار سامانیان شمرده میشود. برمبنی معلومات فوق میتوان اذعان داشت که اجداد قبل از اسلام سامانیان و از آن جمله سامان خودات متعلق به یابگوهای تخارستان میباشند، یابگو هائیکه تردوشاد پسر تون یابگو خاقان- خاقان عالی ترکان منحیث موسس سلسله متذکره شمرده میشود.

آ. ذکی ولیدی توغان(مورخ شهیرترک) تاءکید نموده است که اجداد سامان خودات متعلق به سلسله قرلق های تخارستان و نواده کوکیم خان- خاقان عالی ترکان، و رهبرشاخه اوغوزها بوده است.(105)

[Togan 1981: 112].

اما، حسب معلومات دیگری، سی- یابگو کاگان(خاقان) یکی از پسران سه گانه تون یابگو خاقان و قایم مقام تاج شاهانه منحیث جد سامانیان شناخته میشود، در حالیکه طبق معلومات ارائه شده توسط منابع بیزانتیائی سی- یابگو شاید همان ایستمی یابگو خاقان بوده باشد.

[Togan 1964: 64]. [Шювен 1995: 34].

گفتنی است که موسسین سلاله یابگوهای ترکی که حدود 150 سال در محدوده تخارستان حکم رانده و در راس اولین خاقانات ترکی قرار داشتند، از سلسله ترک های آشین نشاءت نموده اند. اما اینکه در میدالیون منصور ابن نوح کدام یک از خاقانات ترکی ضرب زده شده اند قابل بررسی و تعمق میباشد.

اما حسب برداشتها و افسانه های موجود حکمدار فوق میتواند همان تون یابگو خاقان و یا هم پسرش سی- یابگو خاقان بوده باشد، زیرا فقط خاقانات مذکور دارای عناوینی 'MLK"n MLK، یعنی "صاحب- صاحبان و یا مالک- مالکان، مالک اعیان" یعنی دارای عنوان "شهنشاه" بودند.

گفته شده است که سامانیان پارتیت خاقان عالی ترک و منحک در میدالیون منصور ابن نوح رابمثابه جد بزرگ شان پنداشته، پیوسته مورد احترام و ستایش قرار میدادند.

[Bel'ami II: 248, 265; Firdousi VI: 656 – 657],

اما راویان را عقیده برآنست که پارتیت موجود در میدالیون منصورابن نوح، پارتیت ایل تیگین(پرمودا) یعنی جد عالی سامان خودات از طرف مادری بوده است. زیرا حس احترام خرمزاد IV (ترک زاده) در برابر یابگو های تخارستان شاید بر خواسته از همین مناسبات خویشاوندی و تباری بوده باشد. از جانبی ضرب تنگه های حمایتی (کمک کننده، تنگه های پشتوانه ئی) از دراهم (درهم ها) های وی نمونه دیگری ازین حمایتها پنداشته میشود.

درعین حال علاوه بایستی نمود که القاب مشابه "حکمدار- حکمداران، مالک- مالکان.. در تنگه های کوشانیان نیز بشکل shaonanoshao اما با حروف خروشتی حک گردیده است. لذا میتوان گفت که اشکال مشابه(کاپی) تنگه های مذکور نه تنها توسط خاقانات عالی ترک، بل توسط یابگو های تخارستان نیز که خودرا وارثین برحق دودمان کوشانی میشمردند به عاریت گرفته باشند. این بدان معنی است که تصویر حک شده در میدالیون منصورابن نوح بایستی یکی از اجداد نزدیک سامانیان یعنی جبه خان و یا سامان خودات بوده باشد.

گفتنی است که در تنگه های مسی یابگوهای بلخ *ybgū bhik'n*، تصویر حکمداری باتاج بالدار حاوی ماه (حلال) دوگانه بر سر، هکذا تصاویر ماه ومهتاب تعبیه شده در آن بچشم میخورد. اما در جناح چپ آن، افسانه فارسی قرون وسطائی یعنی GDH 'pzwt افسانه مشابه در میدالیون "تون یابگو خاقان" و منصور ابن نوح گنجانیده شده است، در حالیکه در جناح راست آن القاب (عنوان) *MLK'n MLK'* یعنی القاب "شهنشاه"، یعنی اسم *p'gwā* و لقب متعلقه به آن *bg hwt'p* یعنی "حکمدار ملکوتی یا حکمدار الهی" گنجانیده شده است.

[*Никитин 1986: 85 – 86; Göbl 1967 I: 182*].

از معلومات فوق برمی آید که جبهه خان جد سلسله سامانیان یک حکمدار کوچک ومحلی در محدوده بلخ نه، بل حکمدار عالی یابگو های تخارستان بود، حکمداریکه مرکز حکومتداری اش شهر بلخ شمرده میشد. گفتنی است که موصوف بر علاوه، داشتن عنوان "یابگو" بلکه دارای عنوان عالی ترکان "خان" و لقب ایرانی *MLK'n MLK'* "شهنشاه" نیز بوده است. گفته شده است که سامان خودات پسر جبهه خان از زمره حکمداران نسل دوم شمرده میشد، زمامداریکه بر علاوه داشتن عنوان "یابگو" دارای عنوان "خودات" نیز بود.

ضرب میدالیون منصور ابن نوح در سال 358 هجری مطابق سال 968-969 م با پارتريت یکی از بزرگان سامانیان با تذکار عنوان "شهنشاه" میتواند اقدامی علیه سلسله بوئیدها (ال بویه) باشد، دودمانیکه با استفاده از عنوان "شهنشاه" خود را از زمره دودمان ساسانیان جا زده بودند.

گفتنی است که ضرب (تولید) میدالیون نامبرده در سال 351 هجری مطابق به سال 962 م در شهر المحمدیه توسط الحسن ابن بووی زمامدار بودائی تبار روح الدوله دلیل اصلی مسله گفته شده است. گفته شده است که منصور ابن نوح در سال 359 هجری مطابق به 969-970 م در شهر فرغانه به ضرب فیلس مسی، حاوی تصاویر کلاسیکی مندالاهای بودائی مبادرت ورزید.

[*Апанов 2002: 12 – 16*].

به همین سان اطلاعاتی از موجودیت اشکال متعدد و مختلفه فیلس های مسی در دسترس است، فیلیس هائیکه طی سالهای 359 هجری مطابق به سالهای 969-970م در شهر فرغانه از نام منصور ابن نوح ضرب زده شده است. یعنی فیلیس هائیکه در صفحات پیشروی آن (صفحه اولی) - تصویر مندالا های دوگانه تعبیه شده در محیط، و کیتبه های عربی جاگزین شده بجای گلبرگ های هشت گانه بنظر میرسد.

[*www.zeno.ru: #25061, #42257, #43703, #44088*].

لازم به یاد اور نیست که در واپسین سالهای زمامداری منصور ابن نوح و پسرش نوح ابن منصور (زمان فرمانروائی بین سالهای 365-387 هجری مطابق به سالهای 976-997م) تنگه های متفاوتی حاوی سنبولهای جداگانه و مختلفه بودائی ضرب زده شده است.

گفتنی است که موجودیت اسناد فوق الذکر بمثابه ثبوت اشکار و انکار ناپذیری از پیشبرد مبارزات جدی سامانیان علیه آل بویه شمرده میشود، مبارزاتی که طی سالهای 334 هجری مطابق به 945-946 م منجر به تصاحب حاکمیت بغداد و تأمین حاکمیت بالای خلفای عرب گردید. (106)

زیرا تا این دم تولید مدال ها از جمله حقوق حقه خلفای بغداد محسوب میگردد. به همین ترتیب اطلاعاتی از موجودیت انواع مختلفه سکه های ضرب زده شده توسط حکمرانان عباسی در دسترس هست.

در موزیم سکه شناسی شهر وین میدالیونی وجود دارد که در سال 241 هجری مطابق به سال 855-856 توسط خلیفه المتوکل ضرب زده شده است. (زمان فرمانروائی خلیفه المتوکل بین سالهای 232-247 هجری مطابق 847-861م)

[*Ferit 1934: 253, n. 2*].

هكذا در موزیم شهر برلین (المان) میدالیون نقره ای محافظت میگردد که بین سالهای 295-320 هجری مطابق به سالهای 908-932م توسط خلیفه المقتدر ضرب زده شده است. گفتنی است که در صفحه پیشروی میدالیون متذکره تصویر

در حال نشسته خلیفه که جامی در دست دارد دیده میشود، در حالیکه در صفحه عقبی آن یک فرد موزیسین در حال نشسته حک گردیده است.

[*Ferit 1934: 253*].

درعین حال در موزیم اتنوگرافی شهر انقره (ترکیه) میدالیون طلائی وجود دارد که در سال 365 هجری مطابق به سالهای 975-976 م توسط خلیفه الطیب الله در شهر بغداد ساخته شده است (زمان فرمانروائی بین سالهای 363-381 هجری مطابق به سالهای 974-991 م)

گفتنی است که در صفحه پیشروی میدالیون مذکور نیز تصویر خلیفه در حالت نشسته دیده میشود که جامی در دستان چپ دارد، اما، در صفحه عقبی آن همچنان موزیسینی بچشم میخورد. گفته میشود که میدالیون فوق الذکر به افتخار مراسم عقد نکاح خلیفه با دختر معزالدوله بختیار زمامدار بودائی مذهب عراق و پسر عزالدوله ابوالحسین احمد ابن ابو شجاع بوویها ضرب زده شده است.

[*Ferit 1934: 250 – 253*].

در کلکسیون شخصی بی بهزاد بوتاق (آقای بهزاد بوتاق) باشنده شهر استانبول میدالیون طلائی محافظت میگردد که در سال 453 هجری مطابق به 1061 م در شهر بغداد ضرب زده شده است. لازم به یادآوریست که در صفحه پیشروی میدالیون متذکره تصویر خلیفه القیم بی امرالله در حال نشسته با پیاله گرد در دستان بنظر میرسد (زمان فرمانروائی خلیفه بین سالهای 422-467 هجری مطابق به سالهای 1031-1075 م). اما در صفحه عقبی آن تصویر طغرل بیک، سلطان سلجوقی به حالت مشابه به تصویر کشیده شده است (زمان فرمانروائی سلطان بین سالهای 429-455 هجری مطابق به سالهای 1038-1063 م) گفته شده است که میدالیون متذکره به افتخار مراسم عقد نکاح سلطان طغرل با دختر خلیفه القیم بی امرالله ضرب زده شده است.

[*Walker 1958: 692 – 693; Агаджанов 1964: 10 – 16*].

لازم به یادآوریست که میدالیون منصور ابن نوح نیز بمناسبتهای مشابهی ضرب زده شده است. چنانچه حدث زده میشود که ضرب میدالیون مذکور بمناسبت گسترش

حدود واربعة سرزمینهای سامانیان ضرب زده شده باشد، زیرا بعد از آنکه امیر اسماعیل ابن احمد سامانی موسس سلسله سامانیان بالای نیروهای امیر ابن الیس غلبه حاصل نموده و به الحاق سرزمینهای متعلق به صفاریان به امور ملک داری خود موفق گردید، دست به چنین اقدامی زد.

ازجانبی تصویر اسماعیل ابن احمد سامانی کواسه سامان خودات در صورتی میتوانست در میدالیون مذبور حک گردد، هرگاه، وی به حفظ و نگهداری یادبود اجداد و نیاکان مبادرت ورزیده، خودرا از جمله نوادگان یابگوهای ترک تبار تخارستان و خاقانات عالی ترک پنداشته باشد. اما در هر حال سامانیان میکوشیدند تا اجداد شان را از نیاکان آل بوئیدها که خودرا وارثان سلسله ساسانیان قلمداد مینمودند کم اهمیت تر جلوه ندهند.

گفتنی است که در منابع چینی اسما یابگوهای ترک تبار تخارستان تذکار یافته است که در میانه سالهای 588 الی 750 با مرکزیت (پایتخت) اولیه شهر قندز ومتعاقبا با مرکزیت بلخ زیسته اند. هکذا گفته شده است که سلسله آنان بعد از استیلا عربها و لشکر کشی به بدخشان نیزتداوم داشته است.

[Бичурин II: 321 – 322; Chavannes 1903: 156 – 158].

نایستی فراموش شود که جبهه خان پدر سامان خودات بایستی با یکی از نمایندگان اخیر سلسله مذبور ارتباط داشته باشد. ایل تیگین(پرمودا)(زمان فرمانروائی بین سالهای 588-590) که منعیث نخستین زمامدار تخارستان شناخته میشود.

متعاقبا:

تردو شاد- پسر تون یابگو خاقان (زمان فرمانروائی بین سالهای 618-630)

متعاقبا:

ایشبره یابگو (زمان فرمانروائی بین سالهای 630-650)

متعاقبا:

آشینه اوچیوو(زمان فرمانروائی بین سالهای 653-660)

متعاقبا:

گون ایشبره یابگو(هون ایشبره یابگو)(زمان فرمانروائی بین سالهای 660-700)

متعاقبا:

ندونیلی(زمان فرمانروائی بین سالهای 700-720)

متعاقبا:

قوتلوع تون تردو (زمان فرمانروائی بین سالهای 720-730)

متعاقبا:

-شیلیمان گالو(زمان فرمانروائی بین سالهای 750)

گفتنی است که زمان فرمانروائی جبهه خان و سامان خودات با زمان فرمانروائی دو و یا سه تن اخیر سلسله مذبور مصادف بوده است.

پا ورقیها:

98. تصاویر میدالیون متذکره توسط ل. تردول. L.Tredvell. مورخ و محقق برجسته انستیتوت آکسفورد طور صمیمی در اختیارمان گذاشته شد که وسیلتا اظهار سپاس و قدردانی میگردد.

99. خوانش(مطالعه، فهم و آموزش) تعلیمات پهلوی توسط پ.ب. لوری P.B.Lure. محقق شهیر و برجسته شهر سن- پترزبورگ روسیه صورت گرفت که وسیلتا اظهار امتنان میگردد

100. بمنظور کسب معلومات بیشتر رجوع شود به ادرس و تصاویر زیر:

Miles 1964: 283 – 293

Peus Sales 1994: 61,110.892.

101. تنگه های فوق الذکر حاوی افسانه هائی بزبان باختری، فارسی و هندی قرون وسطی(کتیبه براهمی) بوده است. اما میان تنگه های هندو شاه تیگین (#21384, #20999) یا تنگه های وسودوا Vasudeva (#12962) (

یا تنگه های یابغو های تخارستان (#15170, #21382) و یا هم تنگه های حکمرانان ارخاسی (ارچاسی) Arachosia (#20783, #26690, #22922). تشابهت های بیشتری وجود داشته است. رجوع شود به:

Никитин 1986: 82 – 88; Göbl 1967 I: 25, 26, 140 – 143, 164, 167 – 173.

102. جیگوی کاگان (جیگوی خاقان) و یا Jag Kagan & Kagan Sheguy. شیگوی کاگان (شیگوی خاقان) - نواسه تردو خاقان (قاره چورین)، برادر تون یابگو خاقان و ایل تیگین بوپروقه (نیلی، پرمودا) قبلا فرمانروایان چاچ (تاشکند) بودند. [*Бичурин I: 279, 281; Гумилев 1967: 138, 154 – 158, 166; Кляшторный 1985: 166 – 167*].

103. در میان پارتهای قدیم برعلاوه ارشکیدهها (اشکانیان) ترکیبات متعدد دیگری نیز وجود داشت که از جمله میتوان از کارین پهلاو Karen Baklava (در نهاوند)، سورین پهلاو Suren Baklava (در سیستان)، اسپهپت پهلاو Ispahpat Pahlav (در گرگان)، سپاندیات و مهران Spandiyat, Mihran (در شهر ری)، Zeke، و دیگران یادآوری نمود. گفتنی است که لایه های متذکره در زمان حکمرانی ساسانیان موفق گردیدند تا مواقف بلند دولتی شانرا حفظ بدارند. [*Симокатта: 93; Дьяконов 1961: 195, 283*].

104. معلومات در باره میدالیون مذکور متعلق S.G.Klyashtorny . س. گ. کلیاشتورنی و تصاویر منعکسه در صفحه کتابی بنام O.Sertkaya متعلق به ار. الیموف میباشد. [*Sertkaya, Alimov 2006*].

105. نام این خاقان در آثار رشیدالدین بنام کوکیم یابکوی Kukem Vkuuy ، در آثار ابوالغازی بنام کوکیم باکوی Kukem Baku ، و در آثار ابن البلخی بنام کوکیم خاقان و در آثار الطبری بنام سر یابگو Cyr yabgu خاقان گفته شده است، در حالیکه در سائر منابع بنام Istemi Yabgu Kagan Dizabul ایستمی یابگو خاقان-دیزاول، شناخته شده است. گفته میشود که دختر این خاقان، خانم خسرو 1 نوشیروان و مادر خرمزاد IV "ترک زاده" یکی از شهنشاهان ساسانی بوده است.

[at-Tabarī I: 899; Ibnu'l-Balkhī: 24, 94, 98; Рашид ад-дин 1987: 94; Кононов 1958: 69].

106. در منابع متعددی از وقوع تصادمات (جنگ ها) میان قشون سامانیان و بوئیدها (آل بوئید) طی سالهای 334 هجری مطابق سال 945-946 م ، 349 هجری مطابق سال 960-961 م ، 354 هجری مطابق سال 965 م و سال 356 هجری مطابق سال 966-967 م سخن رانده شده است.

[Ибн ал-Асир VIII: 202, 222, 231].

لینک های اضافی (علاوه گی) که بکمک انها میتوان در باره نامهای ذکر شده در این باب، معلومات آفاقی بدست آورد. (البته اینها شامل بحث کتاب هذا نمیباشند.)

- <http://dic.academic.ru/dic.nsf/ruwiki/1129801>

درباره روح الدوله

- [https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%90%D1%80%D1%88%D0%B0%D0%BA%D0%B8%D0%B4%D1%8B_\(%D1%86%D0%B0%D1%80%D0%B8_%D0%9F%D0%B0%D1%80%D1%84%D0%B8%D0%B8\)](https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%90%D1%80%D1%88%D0%B0%D0%BA%D0%B8%D0%B4%D1%8B_(%D1%86%D0%B0%D1%80%D0%B8_%D0%9F%D0%B0%D1%80%D1%84%D0%B8%D0%B8))
- <https://uz.wikipedia.org/wiki/Arshakiylar>

درباره ارشکیدهها (اشکانیان)

- https://www.google.se/search?q=%D1%80%D1%83%D0%BD%D0%B8%D1%87%D0%B5%D1%81%D0%BA%D0%B0%D1%8F+%D0%BB%D0%B5%D0%B3%D0%B5%D0%BD%D0%B4%D1%8B&rlz=2C1KMZB_enSE0536SE0536&espv=2&biw=1366&bih=609&source=lnms&tbn=isch&sa=X&ved=0ahUKEwjCzI2YgbTMAhVDMZoKHVCLab0Q_AUIBigB
- http://runes.su/legend_rune.html
- <http://joborgame.ru/league-of-legends-rukovodstvo-po-runam>
- https://w1.dwar.ru/info/library/?category_id=253&page=12

درباره حروف رونیک (حروف رمزی)

<http://wikimapia.org/18277806/mk/%D0%9D%D0%B0%D1%85%D1%88%D0%B0%D0%B1%D0%B0>

درباره نخشابه (منطقه نخشابه)